رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۱۳، آبان ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(8), 2025

رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان

The relationship between the dark triad of personality and marital burnout with the mediating role of emotion regulation

الهه تاجیک
دانشجوی دکتری روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی بالینی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.
نازنین عابد (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد متاهل شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۲۴۲ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه دلزدگی زناشویی (CBM، پاینز، ۱۹۹۶)، مقیاس سه صفت شخصیت تاریک (DTDDS، جانسون و وبستر، ۲۰۱۰) و پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ، گراس و جان، ۲۰۰۳) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی سه‌گانه تاریک ماکیاولیسم و خودشیفتگی به صورت غیر مستقیم و از طریق ابعاد ارزیابی مجدد و سرکوبی متغیر تنظیم هیجان، قادر به پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بودند (p‹۰/۰۰۱). این نتایج نشان می دهد که سه‌گانه تاریک شخصیت با توجه به نقش مهم تنظیم هیجان می‌تواند تبیین‌کننده دلزدگی زناشویی در افراد متاهل باشند و در نتیجه شناخت این مکانیسم‌ها می‌تواند در طراحی مداخلات روانشناختی برای ارتقای کیفیت روابط زناشویی مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: *دلزدگی زناشویی، تنظیم هیجان، سه‌گانه تاریک شخصیت.*

Elahe Tajik
PhD Student of Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.
Nazanin Abed *
Assistant Professor Department of Psychology, Faculty of Humanities, University of Science and Culture, Tehran, Iran.
abed@usc.ac.ir

Abstract

This study investigated the relationship between the Dark Triad of personality and marital burnout, with emotion regulation as a mediating factor. The present study was a descriptive-correlational study of a path analysis type. The statistical population consisted of all married individuals in Tehran in 2023. A convenience sampling method was used to select a sample of 242 participants, who completed the questionnaires. The research instruments included the Marital Burnout Measure (CBM, Pines, 1996), the Dark Triad Dirty Dozen Scale (DTDDS, Johnson & Webster, 2010), and the Emotion Regulation Questionnaire (ERQ, Gross & John, 2003). Data were analyzed using path analysis. The results of the path analysis indicated a good fit of the model. Findings revealed that the Dark Triad personality traits of Machiavellianism and narcissism were able to indirectly predict marital burnout through the dimensions of reappraisal and suppression in emotion regulation ($p < 0.001$). These results suggest that the Dark Triad of personality, considering the significant role of emotion regulation, can explain marital burnout among married individuals. Consequently, understanding these mechanisms can be effective in designing psychological interventions aimed at enhancing the quality of marital relationships.

Keywords: *Marital Burnout, Emotion Regulation, Dark Triad of Personality.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : اسفند ۱۴۰۳** | **پذیرش: فروردین ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

مقدمه

دلزدگی زناشویی[1] به عنوان یکی از چالش‌های عمده در روابط زوجین، پدیده‌ای است که در آن احساسات مثبت و علاقه میان زن و شوهر به تدریج کاهش یافته و جای خود را به بی‌تفاوتی، نارضایتی و گاه نفرت می‌دهد (نجاتیان[2] و همکاران، ۲۰۲۱). این حالت معمولاً پس از سال‌های اولیه ازدواج و با کاهش شور و هیجان اولیه رخ می‌دهد و می‌تواند به شدت بر کیفیت زندگی زناشویی و حتی سلامت روانی زوجین تأثیر بگذارد (فاطمی و همکاران، ۱۴۰۳). دلزدگی زناشویی نه تنها به عنوان یک مسئله فردی، بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است، چرا که می‌تواند به افزایش آمار طلاق و کاهش رضایت از زندگی منجر شود (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳). در این حالت، زوجین ممکن است احساس کنند که رابطه‌شان دیگر معنادار نیست و تلاشی برای بهبود آن نمی‌کنند. دلزدگی زناشویی معمولاً به تدریج و در طول زمان اتفاق می‌افتد. در ابتدا، زوجین ممکن است به دلیل فشارهای زندگی روزمره، مسئولیت‌های خانوادگی و یا مشکلات شغلی، زمان کمتری را به یکدیگر اختصاص دهند. این کاهش در زمان کیفیت‌گذرانی می‌تواند به تدریج منجر به کاهش صمیمیت و ارتباط عاطفی شود (شریفی و همکاران، ۱۴۰۳). علاوه بر این، عدم توجه به نیازهای عاطفی و روانی یکدیگر، ناتوانی در حل تعارضات به شیوه‌ای سازنده و همچنین فقدان گفت‌وگوهای عمیق و معنادار می‌تواند به تشدید این حالت کمک کند. در برخی موارد، دلزدگی زناشویی ممکن است به دلیل نارضایتی جنسی، تغییرات در اولویت‌های زندگی و یا حتی تفاوت‌های شخصیتی که به مرور زمان آشکار می‌شوند، ایجاد شود (نجفی و همکاران، ۱۴۰۳).

عوامل متعددی می‌توانند در دلزدگی زناشویی نقش داشته باشند که یکی از این عوامل سه گانه تاریک شخصیت[3] است (منصوبی فر و همکاران، ۱۴۰۳). سه گانه تاریک شخصیت مفهومی است که در روانشناسی شخصیت مورد توجه قرار گرفته و شامل سه ویژگی شخصیتی به هم مرتبط اما متمایز ماکیاولیسم[4]، خودشیفتگی[5] و جامعه‌ستیزی[6] است (دبسکا[7] و همکاران، ۲۰۲۱). این سه ویژگی به دلیل ماهیت تاریک و تأثیرات منفی‌شان بر روابط بین‌فردی و اجتماعی، مورد مطالعه گسترده قرار گرفته‌اند. افراد دارای این ویژگی‌ها تمایل به رفتارهای خودخواهانه، فریبکارانه و گاه پرخاشگرانه دارند که می‌تواند به روابط آن‌ها با دیگران، از جمله روابط زناشویی، آسیب جدی وارد کند (دورادونی[8] و همکاران، ۲۰۲۳). ویژگی ماکیاولیسم به تمایل فرد برای دستکاری دیگران، فریبکاری و استفاده از ابزارهای غیراخلاقی برای رسیدن به اهداف شخصی اشاره دارد. افراد با این ویژگی معمولاً نسبت به احساسات دیگران بی‌تفاوت هستند و از دیگران به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند (دیونیگی[9] و همکاران، ۲۰۲۲). از سویی دیگر خودشیفتگی با احساس خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و توجه بیش از حد و فقدان همدلی نسبت به دیگران مشخص می‌شود. افراد خودشیفته معمولاً خود را برتر از دیگران می‌دانند و انتظار دارند دیگران نیازهای آن‌ها را برآورده کنند (خان[10] و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت ویژگی جامعه‌ستیزی با رفتارهای تکانشی، بی‌پروایی، بی‌عاطفگی و تمایل به پرخاشگری و بی‌ثباتی هیجانی همراه است. افراد با این ویژگی ممکن است به راحتی قوانین اجتماعی را زیر پا بگذارند و نسبت به عواقب رفتارهای خود بی‌تفاوت باشند (واکر[11] و همکاران، ۲۰۲۲). سه گانه تاریک شخصیت می‌تواند به طور قابل توجهی بر کیفیت روابط زناشویی تأثیر بگذارد. افراد دارای این ویژگی‌ها معمولاً در برقراری روابط صمیمانه و پایدار با مشکلاتی مواجه هستند (آتامان و یالچینکایا[12]، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که افراد دارای ویژگی ماکیاولیسم ممکن است باعث شود فرد در رابطه زناشویی به جای صداقت و اعتماد، از فریب و دستکاری استفاده کند. این رفتارها می‌تواند به تدریج اعتماد طرف مقابل را از بین ببرد و احساس نارضایتی و دلزدگی را در رابطه ایجاد کند (کاردوم[13] و همکاران، ۲۰۲۴). افراد خودشیفته معمولاً نیازهای عاطفی و روانی شریک زندگی خود را نادیده می‌گیرند و تنها به دنبال تأمین نیازهای خود هستند. این عدم توجه به نیازهای طرف مقابل می‌تواند باعث ایجاد

1 marital burnout
2 Nejatian
3 dark triad of personality
4 machiavellianism
5 narcissism
6 psychopathy
7 Dębska
8 Duradoni
9 Dionigi
10 Khan
11 Walker
12 Ataman & Yalçınkaya
13 Kardum

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

احساس تنهایی و نادیده گرفته شدن در شریک زندگی شود و به تدریج رابطه را به سمت دلزدگی سوق دهد (لیم[1]، ۲۰۲۴). رفتار جامعه‌ستیزی نیز با رفتارهای تکانشی و بی‌ثباتی هیجانی همراه است که می‌تواند به ایجاد تنش و تعارض در رابطه زناشویی منجر شود. این رفتارها ممکن است باعث شود شریک زندگی احساس ناامنی و اضطراب کند و به تدریج از رابطه فاصله بگیرد و پس این ویژگی‌ها ممکن است به کاهش اعتماد، افزایش تعارض و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی شریک زندگی منجر شود و در نهایت به دلزدگی زناشویی بینجامد (هایسی[2] و همکاران، ۲۰۲۵).

از سویی دیگر با توجه به اهمیت دلزدگی زناشویی و نوع ویژگی شخصیت افراد، بررسی رابطه این متغیرها چندان ساده نیست و در این میان ممکن است عواملی مانند تنظیم هیجان[3] تأثیراتی بسزایی بر این روابط داشته باشد و نقش میانجی ایفا کند. تنظیم هیجان به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن افراد هیجانات خود را شناسایی، ارزیابی و تعدیل می‌کنند. این فرآیند شامل توانایی فرد در کنترل و مدیریت هیجانات منفی مانند خشم، اضطراب و غم، و همچنین تقویت هیجانات مثبت مانند شادی و رضایت است (مام شریفی و همکاران، ۱۴۰۳). تنظیم هیجان می‌تواند به دو شکل سازگارانه مانند استفاده از راهبردهای حل مسئله یا بازسازی شناختی یا ناسازگارانه مانند سرکوب هیجانات یا اجتناب از موقعیت‌های هیجانی انجام شود (پریس[4] و همکاران، ۲۰۲۳). توانایی تنظیم هیجان به شیوه‌ای سازگارانه با سلامت روانی بهتر، روابط بین‌فردی قوی‌تر و عملکرد اجتماعی مؤثرتر مرتبط است (منفی[5] و همکاران، ۲۰۲۲). تنظیم هیجان نه تنها بر رفاه فردی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به طور مستقیم بر کیفیت روابط زناشویی نیز تأثیر بگذارد. در روابط زناشویی، توانایی مدیریت هیجانات به شیوه‌ای سالم و سازنده می‌تواند از بروز تعارضات شدید، نارضایتی و در نهایت دلزدگی زناشویی جلوگیری کند (فریی کاکس[6] و همکاران، ۲۰۲۱). زوجینی که توانایی تنظیم هیجانات خود را به شیوه‌ای سازگارانه دارند، معمولاً بهتر می‌توانند با تعارضات و چالش‌های زندگی مشترک کنار بیایند. توانایی مدیریت خشم و جلوگیری از تبدیل اختلافات کوچک به مشاجرات بزرگ می‌تواند به حفظ آرامش و صمیمیت در رابطه کمک کند (استفنز[7] و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، ناتوانی در تنظیم هیجانات می‌تواند به افزایش تنش و نارضایتی در رابطه منجر شود. زوجینی که هیجانات خود را به شیوه‌ای ناسازگارانه مدیریت می‌کنند، ممکن است به تدریج احساس فاصله عاطفی و بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر پیدا کنند (ان[8] و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که افراد با ویژگی‌های سه گانه تاریک شخصیت معمولاً در تنظیم هیجانات خود به شیوه‌ای سازگارانه، ضعیف عمل می‌کنند (واکر و همکاران، ۲۰۲۲). خودشیفته‌ها ممکن است هیجانات خود را سرکوب کنند یا از موقعیت‌های هیجانی اجتناب نمایند، در حالی که افراد جامعه‌ستیزی ممکن است به دلیل بی‌ثباتی هیجانی، رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه از خود نشان دهند. این ناتوانی در مدیریت هیجانات می‌تواند به تعارضات بین‌فردی و مشکلات در روابط منجر شود (گومز لیال[9] و همکاران، ۲۰۲۳).

با توجه به مطالب مذکور می‌توان بیان کرد که سه‌گانه تاریک شخصیت به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی که تأثیرات منفی بر روابط بین‌فردی دارند، شناخته شده‌اند، اما مکانیسم‌های دقیقی که از طریق آن‌ها این ویژگی‌ها به دلزدگی زناشویی منجر می‌شوند، به طور کامل بررسی نشده‌اند. همچنین تنظیم هیجان به عنوان یک عامل کلیدی در مدیریت هیجانات و بهبود کیفیت روابط، می‌تواند نقش مهمی در تغییر تأثیرات منفی سه‌گانه تاریک شخصیت بر روابط زناشویی ایفا کند. این پژوهش با بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان، به درک بهتر این مکانیسم‌ها کمک می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهکارهای عملی برای کاهش دلزدگی زناشویی باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای مشاوران زناشویی، روان‌درمانگران و متخصصان حوزه خانواده مفید باشد. با شناسایی نقش تنظیم هیجان در رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی، می‌توان برنامه‌های آموزشی و درمانی طراحی کرد که به زوجین کمک کند تا هیجانات خود را به شیوه‌ای سازگارانه‌تر مدیریت کنند و از بروز دلزدگی در رابطه جلوگیری نمایند. از سوی دیگر، این پژوهش به پر کردن خلأهای پژوهشی موجود در این حوزه کمک می‌کند. تاکنون مطالعات محدودی به بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی پرداخته‌اند. این پژوهش با ارائه مدلی جامع، به گسترش ادبیات علمی در این زمینه کمک می‌کند و

1 Lim
2 Hissey
3 emotion regulation
4 Preece
5 Menefee
6 Frye-Cox
7 Stephens
8 An
9 Gómez-Leal

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

راه را برای تحقیقات آینده در این حوزه هموار می‌سازد. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد متاهل شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بودند. برای تعیین حجم نمونه از دیدگاه کلاین[1] (۲۰۲۳) استفاده شد. بر اساس دیدگاه کلاین حداقل حجم نمونه مورد نیاز در پژوهش‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری، زمانی که متغیرهای مشهود بین ۱۱ تا ۱۵ عدد باشند، ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود. به روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۲۴۲ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، سپری شدن حداقل دو سال از ازدواج آن‌ها، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و دریافت خدمات درمانی دارویی یا روان‌شناختی برساس خوداظهاری و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت آنلاین از طریق پرسشنامه‌هایی که لینک آن در اختیارشان قرار گرفت به آن‌ها پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه است. پژوهشگران با دقت ملاحظه‌های اخلاقی را رعایت کردند تا از هرگونه آسیب جسمی یا روانی به شرکت‌کنندگان اجتناب کنند که شامل آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی ناشی از شرکت در پژوهش می‌شد. همچنین ذکر شد چنانچه شرکت‌کنندگان تمایل به دانستن نتایج پژوهش را دارند، پس از اتمام پژوهش، نتایج در اختیارشان قرار خواهد گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه دلزدگی زناشویی[2] (CBM): این پرسشنامه توسط پاینز[3] (۱۹۹۶) طراحی شده و شامل ۲۱ گویه است. پاسخ‌ها در این پرسشنامه بر اساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه سه مؤلفه اصلی را خستگی جسمانی، افت عاطفی و افت روانی را می‌سنجد. دامنه نمرات در این مقیاس بین ۲۱ تا ۱۴۷ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتری از دلزدگی زناشویی است. روایی این پرسشنامه از طریق همبستگی‌های منفی بین ۰/۳۳- تا ۰/۴۲- با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند احساس امنیت، خودشکوفایی، کیفیت رابطه جنسی و عاطفی با همسر، و کیفیت مکالمه تأیید شده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳). همچنین، پایایی آن با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است (پاینز، ۱۹۹۶). در ایران، نویدی (۱۳۸۴) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۴۰ پرستار و معلم بررسی کرد و ضریب پایایی ۰/۸۶ را به دست آورد. نادری و همکاران (۱۳۸۸) نیز برای بررسی روایی این ابزار، از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده کردند و ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه را ۰/۴۰- گزارش دادند. در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد.

مقیاس سه صفت شخصیت تاریک[4] (DTDDS): مقیاس شخصیت تاریک توسط جانسون و وبستر[5] (۲۰۱۰) ساخته شده است و شامل ۱۲ گویه است که سه صفت تاریک ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی را می‌سنجد. آزمودنی‌ها به گویه‌های این آزمون در مقیاس لیکرت ۹ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۹ (کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند که نمره بالا نشان‌دهنده بیشتر بودن آن صفت در فرد است و بالعکس. در این مقیاس، هرکدام از سه صفت تاریک شخصیت توسط ۴ گویه سنجیده می‌شود و نمره افراد می‌تواند برای هر بعد بین ۴ تا ۳۶ باشد. خرده آزمون‌های این ابزار همبستگی خوبی با پرسشنامه‌های خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و مقیاس سایکوپاتی دارند. ضریب پایایی بازآزمایی در فاصله زمانی ۳۰ روزه برای کل مقیاس ۰/۸۹، برای ماکیاول‌گرایی ۰/۸۶، برای سایکوپاتی ۰/۷۶ و برای خودشیفتگی ۰/۸۷ گزارش شده است. روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۷۳ مورد تأیید قرار گرفت (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰). سؤالات ۱ تا ۴ در این مقیاس

1 Kline
2 Couple burnout measure
3 Pines
4 Scale Dark personality triad traits
5 Jonason & Webster

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

به صفت ماکیاول‌گرایی، سؤالات ۵ تا ۸ صفت خودشیفتگی و سؤالات ۹ تا ۱۲ صفت سایکوپاتی را اندازه‌گیری می‌کند. روایی پرسشنامه از طریق تحقیقات قبلی و همچنین نظر اساتید دانشگاهی قابل تأیید بوده و پایایی آن نیز به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۶۹ گزارش شده است (بشرپور و شفیعی، ۱۳۹۴). بشرپور و همکاران (۱۳۹۴) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های خودشیفتگی ۰/۸۶، ماکیاولیسم ۰/۷۴ و جامعه‌ستیزی ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه تنظیم هیجان[1] (ERQ): این پرسشنامه توسط گراس و جان[2] (۲۰۰۳) به منظور اندازه‌گیری راهبردهای تنظیم هیجان تهیه شده است. مقیاس فوق از ۱۰ گویه تشکیل شده است که دارای دو زیر مولفه ارزیابی مجدد (۶ گویه) و سرکوبی (۴ گویه) است. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت (هفت درجه‌ای)، از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) است. در پژوهش گراس و جان (۲۰۰۳) روایی سازه پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی مؤید دو عامل بود که روی هم رفته توانایی تبیین ۷۸ درصد از واریانس را داشت، ضمن اینکه روایی تشخیصی این پرسشنامه نیز از طریق برآورد همبستگی خرده مقیاس سرکوبی پرسشنامه با نشانگان افسردگی و اضطراب به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۷ بدست آمد و مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی بازآزمایی بعد از سه ماه برای کل پرسشنامه ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس و جان، ۲۰۰۳). حسینی و خیر (۱۳۸۹) میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه را ۰/۷۰ و روایی محتوایی کل پرسشنامه را ۰/۶۸ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای سرکوبی ۰/۸۲ و برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته ها

در پژوهش حاضر ۲۴۲ فرد متاهل (۱۶۸ نفر خانم و ۷۴ نفر آقا) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب برابر با ۳۳/۶۹ و ۶/۲۵ سال شرکت کردند. تعداد ۲۰ نفر از آن‌ها دارای مدرک زیرریپلم و دیپلم، ۹۰ نفر کارشناسی، ۷۹ کارشناسی ارشد و ۵۳ نفر دکتری بودند. همچنین ۱۸۸ نفر از آن‌ها شاغل و ۵۴ نفر غیرشاغل بودند. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. ماکیاولیسم	-					
۲. خودشیفته	۰/۲۹**	-				
۳. جامعه ستیزی	۰/۴۰**	۰/۲۸**	-			
۴. تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد)	-۰/۲۷**	-۰/۲۶**	-۰/۲۳**	-		
۵. تنظیم هیجان (سرکوبی)	۰/۲۷**	۰/۳۹**	۰/۱۹**	۰/۰۴	-	
۶. دلزدگی زناشویی	۰/۱۷**	۰/۳۰**	۰/۲۲**	-۰/۲۱**	۰/۴۲**	-
میانگین	۵/۱۸	۱۵/۰۱	۱۷/۱۴	۲۵/۲۸	۱۴/۴۷	۷۸/۷۳
انحراف معیار	۱/۸۱	۳/۸۴	۶/۴۶	۵/۲۸	۵/۶۲	۱۱/۵۳
کجی	۱/۳۳	۰/۷۹	۰/۰۱	-۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۵۵
کشیدگی	۰/۳۶	۰/۴۵	-۱/۲۸	-۰/۶۵	-۱/۰۱	۰/۰۲

* P‹۰/۰۵ **P‹۰/۰۱

1 Emotion Regulation Questionnaire
2 Gross & John

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

جدول ۱ نشان داد که بین کلیه ابعاد سه گانه تاریک و تنظیم هیجان (سرکوبی) با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار و بین تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد) با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین مقادیر کشیدگی و چولگی همه مؤلفه‌ها در محدوده ±۲ قرار دارد، بنابراین مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری برقرار بود. جدول ۱ نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است؛ زیرا که مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش‌بین بزرگ‌تر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس هر یک از آن‌ها کوچک‌تر از ۱۰ بود. در این پژوهش به منظور ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس[1]» استفاده شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلنوبایس به ترتیب برابر با ۰/۹۷ و ۱/۲۲ به دست آمد. بدین ترتیب شاخص‌های چولگی و کشیدگی برای فاصله مهلنوبایس در محدوده ۲± قرار داشت؛ بنابراین می‌توان گفت مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری در بین داده‌ها برقرار بود. در نهایت بررسی نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها[2] نشان داد که مفروضه همگنی واریانس‌ها در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. همچنان که پیش‌تر اشاره شده برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد. ابتدا چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار AMOS 24.0 و برآورد بیشینه احتمال[3] (ML) ارزیابی شد. جدول ۲ ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

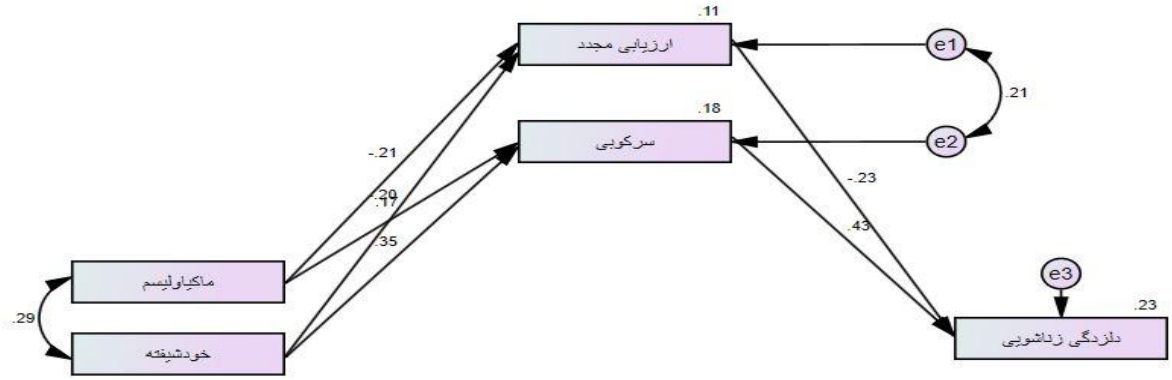

شکل ۱. مدل اصلاح شده دلزدگی زناشویی بر اساس سه گانه تاریک شخصیت و با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند اصلاح و حذف شدند (p>۰/۰۰۱) و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با دلزدگی زناشویی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	برآورد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
ماکیاولیسم	سرکوبی	۰/۵۲۹	۰/۱۸۹	۲/۸۰۴	۰/۰۰۵
ماکیاولیسم	ارزیابی مجدد	-۰/۶۱۶	۰/۱۸۵	-۳/۳۲۸	۰/۰۰۱
خودشیفته	ارزیابی مجدد	-۰/۲۷۵	۰/۰۸۷	-۳/۱۵۴	۰/۰۰۲
خودشیفته	سرکوبی	۰/۵۰۶	۰/۰۸۹	۵/۶۸۳	۰/۰۰۱
سرکوبی	دلزدگی زناشویی	۱/۳۳۲	۰/۱۷۷	۷/۵۳۶	۰/۰۰۱
ارزیابی مجدد	دلزدگی زناشویی	-۰/۷۵۴	۰/۱۸۸	-۴/۰۰۴	۰/۰۰۱

1 Mahalanobis distance
2 standardized residuals
3 Maximum Likelihood

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p‹۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ

مسیر	Bootstrap	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری
ماکیاولیسم ← ارزیابی مجدد← دلزدگی زناشویی	-۰/۲۴	-۰/۱۲	-۰/۳۶	۰/۰۰۱
خودشیفته← ارزیابی مجدد← دلزدگی زناشویی	-۰/۳۴	-۰/۱۸	-۰/۴۱	۰/۰۰۱
ماکیاولیسم ← سرکوبی← دلزدگی زناشویی	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۰۰۱
خودشیفته← سرکوبی← دلزدگی زناشویی	۰/۳۹	۰/۴۸	۰/۱۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که اثر غیرمستقیم متغیر سه گانه تاریک شخصیت (ماکیاولیسم و خودشیفتگی) به متغیر دلزدگی زناشویی از طریق تنظیم هیجان معنادار است (p<۰/۰۰۱). در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل اصلاح شده
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۳۱
درجه آزادی	-	۲
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازش هنجار نشده (NFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۸
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۳

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۳ سه گانه تاریک شخصیت (ماکیاولیسم و خودشیفتگی) به صورت غیرمستقیم از طریق تنظیم هیجان توانست دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در رابطه بین سه گانه تاریک شخصیت با دلزدگی زناشویی انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که متغیر تنظیم هیجان در ارتباط بین سه گانه تاریک شخصیت (ماکیاولیسم و خودشیفتگی) و دلزدگی زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. این یافته با پژوهش‌های هایسی و همکاران (۲۰۲۵)؛ گومز لیال و همکاران (۲۰۲۳)؛ واکر و همکاران (۲۰۲۲) و استفنز و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت که ماکیاولیسم به عنوان یکی از ابعاد سه گانه تاریک شخصیت، با ویژگی‌هایی مانند دستکاری روانی، بی‌اعتنایی به اخلاقیات، و تمرکز بر منافع شخصی شناخته می‌شود. افرادی که نمره بالایی در ماکیاولیسم دارند، تمایل دارند از دیگران برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند و کمتر به احساسات و نیازهای دیگران توجه می‌کنند (دیونیگی و همکاران، ۲۰۲۲). این ویژگی‌ها می‌توانند بر نحوه تنظیم هیجانات فرد تأثیر بگذارند. افراد ماکیاولیست ممکن است از راهبردهای تنظیم هیجان سرکوبی بیشتر استفاده کنند، زیرا این راهبرد با کنترل بیرونی هیجانات و پنهان کردن احساسات واقعی همسو است. از سوی دیگر، ارزیابی مجددکه شامل تغییر نگرش نسبت به موقعیت‌ها برای کاهش تأثیر هیجانات منفی است، ممکن است کمتر توسط این افراد به کار گرفته شود، زیرا آن‌ها تمایل کمتری به انعطاف‌پذیری شناختی و همدلی با دیگران دارند (واکر و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین افرادی که از راهبردهای ناسازگارانه مانند سرکوبی استفاده می‌کنند، ممکن است نتوانند هیجانات خود را به طور مؤثر مدیریت کنند، که این امر می‌تواند به افزایش تنش و کاهش صمیمیت در رابطه منجر شود. سرکوبی هیجانات ممکن است باعث ایجاد فاصله عاطفی بین

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

زوجین شود، زیرا فرد احساسات واقعی خود را پنهان می‌کند و این می‌تواند به احساس بی‌تفاوتی یا دلزدگی در طرف مقابل بیانجامد. از طرف دیگر، ارزیابی مجدد به عنوان یک راهبرد سازگارانه، می‌تواند به فرد کمک کند تا موقعیت‌های استرس‌زا را به شیوه‌ای مثبت‌تر تفسیر کند و از تشدید تعارضات جلوگیری کند (فریی کاکس و همکاران، ۲۰۲۱). با این حال، افراد ماکیاولیست به دلیل تمایل به کنترل و دستکاری روانی، ممکن است کمتر از این راهبرد استفاده کنند، که این امر می‌تواند به افزایش تعارضات و کاهش رضایت زناشویی منجر شود. در نهایت این ویژگی شخصیتی باعث می‌شوند فرد نتواند هیجانات خود را به طور مؤثر مدیریت کند و رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و صمیمیت ایجاد کند. در نتیجه، این فرآیندها به مرور زمان به کاهش رضایت زناشویی و افزایش دلزدگی منجر می‌شوند (کاردوم و همکاران، ۲۰۲۴).

از سویی دیگر خودشیفتگی با ویژگی‌هایی مانند خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و توجه، و کم‌توجهی به نیازهای دیگران شناخته می‌شود. افراد خودشیفته تمایل دارند خود را برتر از دیگران ببینند و اغلب انتظار دارند که دیگران نیازها و خواسته‌های آن‌ها را برآورده کنند (خان و همکاران، ۲۰۲۵). افراد خودشیفته ممکن است از راهبردهای تنظیم هیجان سرکوبی بیشتر استفاده کنند، زیرا این راهبرد با حفظ تصویر مثبت از خود و پنهان کردن احساسات آسیب‌پذیر همسو است. از سوی دیگر، ارزیابی مجددکه شامل تغییر نگرش نسبت به موقعیت‌ها برای کاهش تأثیر هیجانات منفی است، ممکن است کمتر توسط این افراد به کار گرفته شود، زیرا آن‌ها تمایل کمتری به انعطاف‌پذیری شناختی و همدلی با دیگران دارند (گومز لیال و همکاران، ۲۰۲۳). همانطور که در پاراگراف قبلی اشاره شد افرادی که از راهبردهای ناسازگارانه مانند سرکوبی استفاده می‌کنند، ممکن است نتوانند هیجانات خود را به طور مؤثر مدیریت کنند، که این امر می‌تواند به افزایش تنش و کاهش صمیمیت در رابطه منجر شود. سرکوبی هیجانات ممکن است باعث ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین شود، زیرا فرد احساسات واقعی خود را پنهان می‌کند و این می‌تواند به احساس بی‌تفاوتی یا دلزدگی در طرف مقابل بیانجامد. از طرف دیگر، ارزیابی مجدد به عنوان یک راهبرد سازگارانه، می‌تواند به فرد کمک کند تا موقعیت‌های استرس‌زا را به شیوه‌ای مثبت‌تر تفسیر کند و از تشدید تعارضات جلوگیری کند. با این حال، افراد خودشیفته به دلیل تمایل به حفظ تصویر مثبت از خود و عدم تمایل به پذیرش اشتباهات، ممکن است کمتر از این راهبرد استفاده کنند، که این امر می‌تواند به افزایش تعارضات و کاهش رضایت زناشویی منجر شود. افراد خودشیفته به دلیل ویژگی‌هایی مانند خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و کم‌توجهی به نیازهای دیگران، ممکن است نتوانند رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و صمیمیت ایجاد کنند. این ویژگی‌ها می‌توانند به مرور زمان باعث ایجاد فاصله عاطفی و کاهش رضایت از رابطه شوند. از طریق مکانیسم‌های تنظیم هیجان، این تأثیر تشدید می‌شود. استفاده بیشتر از سرکوبی و کمتر از ارزیابی مجدد توسط افراد خودشیفته می‌تواند به کاهش توانایی آن‌ها در مدیریت تعارضات و حفظ ارتباط عاطفی با همسرشان منجر شود. این وضعیت در نهایت می‌تواند به دلزدگی زناشویی بیانجامد، زیرا فرد قادر به ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی عمیق و پایدار نیست (ان و همکاران، ۲۰۲۲).

به طور کلی، می‌توان گفت افرادی که دارای ویژگی‌های ماکیاولیستی یا خودشیفته هستند، بیشتر از راهبردهای ناسازگارانه مانند سرکوب هیجانات استفاده می‌کنند و کمتر از روش‌های سازگارانه مانند ارزیابی مجدد بهره می‌برند. این موضوع مدیریت هیجانات و تعاملات در روابط زناشویی را با مشکل مواجه می‌کند. ناتوانی در تنظیم مؤثر هیجانات به تدریج منجر به ایجاد فاصله عاطفی، کاهش صمیمیت و در نهایت دلزدگی در رابطه می‌شود. شناخت این مکانیسم‌ها می‌تواند در طراحی مداخلات روانشناختی برای ارتقای کیفیت روابط زناشویی مؤثر باشد. در مورد محدودیت‌های این پژوهش، باید اشاره کرد که مطالعه حاضر مقطعی و مبتنی بر روش همبستگی بود، بنابراین نتایج آن تنها روابط همبستگی را نشان می‌دهد و نمی‌توان از آن استنباط علت و معلولی داشت. همچنین، استفاده از ابزارهای خودگزارشی و نمونه‌گیری به روش در دسترس، تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود می‌کند. پیشنهاد می‌شود مطالعات مشابه در شهرهای دیگر انجام شود و نتایج با یافته‌های این پژوهش مقایسه گردد. علاوه بر این، مشاوران و روانشناسان می‌توانند با بررسی متغیرهای روان‌شناختی دیگر، درک جامع‌تری از دلزدگی زناشویی به دست آورند و از این یافته‌ها برای کمک به بهبود روابط زوج‌ها استفاده کنند.

منابع

بشرپور، س؛ و شفیعی، م. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۹(۱)، ۱۱-۱. http://dorl.net/dor/20.1001.1.20080166.1394.9.1.1.9

فاطمی، م؛ دیاریان، م؛ و موسوی، ا. (۱۴۰۳). اثربخشی بسته آموزشی کاهش دلزدگی زناشویی براساس تجارب زیسته زوجین بر دلزدگی زناشویی زوجین دلزده از زندگی زناشویی. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۳ (۱۴۴)، ۲۵۷-۲۷۴. http://dx.doi.org/%2010.52547/JPS.23.144.3091

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

شریفی، ب؛ رئیسی، ف؛ و حاجی حسنی، م. (۱۴۰۳). رابطه خودشفقتی و بخشش با دلزدگی زناشویی: نقش میانجی خودانتقادی در افراد متاهل. *رویش روان شناسی*، ۱۳ (۹)، ۲۱-۳۰. http://frooyesh.ir/article-1-5199-fa.html

مام شریفی، پیمان؛ اسدی، م؛ و دادور ممقانی، ا. (۱۴۰۳). مدل خود خاموشی و افسردگی در زنان متأهل با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان. *رویش روان شناسی*، ۱۳ (۶)، ۲۱۱-۲۲۰. http://frooyesh.ir/article-1-5167-fa.html

مرادی، ا؛ آزادی، م؛ و موسی زاده، ز. (۱۴۰۳). مدل یابی معادلات ساختاری دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه، انتظارات زناشویی و پردازش اطلاعات هیجانی با نقش میانجی خودپنداره جنسی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱۸ (۳). http://rph.khu.ac.ir/article-1-4504-fa.html

منصوبی فر، م؛ پشمک چی نوبری، ز؛ و طهمورسی، ن. (۱۴۰۳). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس سه گانه تاریک شخصیت در زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه ایده های نوین روانشناسی*، ۲۰ (۲۴)، ۱۳-۱.

نجفی، م؛ اسرافیلیان، ف؛ و آزادفلاح، پ. (۱۴۰۳). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس سواد سلامت جنسی در زنان متأهل: با نقش میانجیگری رضایت جنسی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*. https://doi.org/10.22070/cpap.2024.19377.1574

An, U., Park, H. G., Han, D. E., & Kim, Y. H. (2022). Emotional suppression and psychological well-being in marriage: the role of regulatory focus and spousal behavior. *International journal of environmental research and public health*, *19*(2), 973. https://doi.org/10.3390/ijerph19020973

Ataman, A., & Yalçınkaya, A. Ö. (2024). How "Dark" is the Dark Triad in romantic relationships: A meta-analytic review of the relationship between the Dark Triad and infidelity. *Psihologija*, (00), 15-15. https://doi.org/10.2298/PSI230920015A

Dębska, M., Dębski, P., Polechoński, J., Rozpara, M., & Tomik, R. (2021). The Dark Triad of Personality in the Context of Health Behaviors: Ally or Enemy?. *International journal of environmental research and public health*, *18*(8), 4113. https://doi.org/10.3390/ijerph18084113

Dionigi, A., Duradoni, M., & Vagnoli, L. (2022). Humor and the dark triad: Relationships among narcissism, Machiavellianism, psychopathy and comic styles. *Personality and Individual Differences*, *197*, 111766. https://doi.org/10.1016/j.paid.2022.111766

Duradoni, M., Gursesli, M. C., Fiorenza, M., Donati, A., & Guazzini, A. (2023). Cognitive Empathy and the Dark Triad: A Literature Review. *European journal of investigation in health, psychology and education*, *13*(11), 2642–2680. https://doi.org/10.3390/ejihpe13110184

Frye-Cox, N., Ganong, L., Jensen, T., & Coleman, M. (2021). Marital conflict and health: The moderating roles of emotion regulation and marriage order. *Journal of Divorce & Remarriage*, *62*(6), 450–474. https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1925853

Gómez-Leal, R., Gutiérrez-Cobo, M. J., Megías-Robles, A., & Fernández-Berrocal, P. (2023). The dark triad and subjective well-being: The mediating role of cognitive-emotional regulation strategies. *Scandinavian Journal of Psychology*, *64*(3), 368-375. https://doi.org/10.1111/sjop.12890

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, *85*(2), 348–362. https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348

Hissey, A., Hammond, M., Bulbulia, J., Sibley, C. G., Zubielevitch, E., & Eisenbarth, H. (2025). Associations among psychopathy, relationship satisfaction, and professional success in couples. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment.* Advance online publication. https://doi.org/10.1037/per0000706

Jonason, P. K., Webster, G. D. (2010). The Dirty Dozen: A Concise Measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*. 22, 2, 420–432. https://doi.org/10.1037/a0019265

Kardum, I., Hudek-Knezevic, J., Mehić, N., & Banov Trošelj, K. (2024). The dark triad traits and relationship satisfaction: Dyadic response surface analysis. *Journal of Personality*, *92*(4), 931–947. https://doi.org/10.1111/jopy.12857

Khan, F. M., Khan, A., Ahmed, S. S., Naz, A., Salim, M., Zaheer, A., & Rashid, U. (2025). The Machiavellian, Narcissistic, and Psychopathic Consumers: A Systematic Review of Dark Triad. *International Journal of Consumer Studies*, *49*(2), e70018. https://doi.org/10.1111/ijcs.70018

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.

Lim, A. Y. (2024). Narcissism and couple relationship satisfaction: The mediating roles of accepting differences and conflict resolution strategies. *Personality and Individual Differences*, *225*, 112656. https://doi.org/10.1016/j.paid.2024.112656

Menefee, D. S., Ledoux, T., & Johnston, C. A. (2022). The Importance of Emotional Regulation in Mental Health. *American journal of lifestyle medicine*, *16*(1), 28–31. https://doi.org/10.1177/15598276211049771

Nejatian, M., Alami, A., Momeniyan, V., Delshad Noghabi, A., & Jafari, A. (2021). Investigating the status of marital burnout and related factors in married women referred to health centers. *BMC women's health*, *21*(1), 25. https://doi.org/10.1186/s12905-021-01172-0

Pines, A. M. (1996). *Couple burnout: causes and curse*. New York: Routledge. https://www.routledge.com/Couple-Burnout-Causes- and-Cures/Pines/p/book/9780415916325

Preece, D. A., Mehta, A., Petrova, K., Sikka, P., Bjureberg, J., Becerra, R., & Gross, J. J. (2023). Alexithymia and emotion regulation. *Journal of affective disorders*, *324*, 232–238. https://doi.org/10.1016/j.jad.2022.12.065

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]

Stephens, J. E., Hittner, E. F., & Haase, C. M. (2022). Emotion regulation in couples across the life span. In D. Dukes, A. C. Samson, & E. A. Walle (Eds.), *The Oxford handbook of emotional development* (pp. 323–338). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198855903.013.4

Walker, S. A., Olderbak, S., Gorodezki, J., Zhang, M., Ho, C., & MacCann, C. (2022). Primary and secondary psychopathy relate to lower cognitive reappraisal: A meta-analysis of the Dark Triad and emotion regulation processes. *Personality and Individual Differences, 187*, Article 111394. https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.111394

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-26]